

مادر ی آمریکایی با این که می دانست دخترش به دیابت مبتلاست داروهای مورد نیازش را پنهان کرد و باعث مرگ این دختر ۱۴ ساله شد. گزارش ر کنا به نقل از دبلی میل حاکی است بنا به اظهارات پزشک معالج امیلی، وی به این زن گفته بود که اوضاع دخترش وخیم است و باید مرتب انسولین مصرف کند و تحت در مان باشد اما این زن به دلایل نامعلومی اقدام به پنهان کردن بیماری دخترش و داروهای او کرد تا در نهایت وی جان باخت.

از میان خبرها

-
-
-

ماجرای سرقت طلاهای زوج سالمند سیرجانی



تو کلی - سارق طلاهای زوج سالمند سیرجانی در حالی دستگیر شد که چندی پیش گزارش سرقت به عُنف طلاهای یک پیرزن به مرکز ۱۱۰ فوریت‌های پلیسی سیرجان اعلام شد. به گزارش خبرنگار سارما، به دستور سرهنگ ایران نژاد فرمانده انتظامی سیرجان، بلافاصله موضوع سرقت در دستور کار گروهی از ماموران و کارآگاهان مجرب قرار گرفت و این در حالی بود که تحقیقات پلیس ادامه داشت و هنوز به سرنخ‌هایی از سارقان نرسیده بود که مجدد گزارش سرقت از منزل این زوج سالمند به پلیس گزارش شد.

براساس این گزارش، سارقان این بار با تخریب دیوار منزل وارد شده و مقادیری طلا، پته، گوشی تلفن همراه، لوازم منزل و ... را به سرقت برده بودند. فرمانده انتظامی شهرستان سیرجان گفت : با بررسی های دقیق و اقدامات فنی پلیس آگاهی سرانجام مشخص شد شوهرزنی که به عنوان پرستار این زوج به خانه آن‌ها می رفته است ، عامل وکلید حل معمای سرقت این زوج است . سرهنگ ایران نژاد افزود: ماموران این متهم را دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند. وی خاطرنشان کرد: سارق در مواجهه با ادله پلیس به انجام سرقت از این زوج کهنسال اعتراف کرد.

مسابقه انتخاب شعار

روزنامه خراسان به مناسبت انتشار بیست هزارمین شماره روزنامه در نظر دارد مسابقه انتخاب بهترین شعار با همین موضوع را برگزار کند . علاقه مندان می توانند شعار خود را حداقل در ۳ کلمه و حداکثر ۷ کلمه برای ما ارسال کنند

توضیح

- هر فرد حداکثر تا دو شعار می تواند ارسال کند و شعار متناسب با موضوع مسابقه باشد.
- حتمانام و نام خانوادگی خود و شماره تماس را ذکر کنید
- حداکثر زمان شرکت در مسابقه ۱۷ دی ماه خواهد بود
- به برترین شعار ها که مورد تایید گروه داوران قرار بگیرد جوایز نفیسی تعلق می گیرد
- نحوه ارسال آثار به صورت پیامک به شماره ۰۹۹۹۲۰۰۰ و یا پیام رسان سروش و تلگرام به شماره ۰۹۰۳۳۳۳۷۰۱۰ می باشد

خراسان

روابط عمومی
موسسه فرهنگی هنری خراسان

«متادون» کودک ۲/۵ ساله را به کما برد

درمانی رساندند. پزشک معالج بعد از معاینه کودک تشخیص داد که او باید بستری شود ولی پدر و مادرش به بستری شدن کودک رضایت ندادند و او را به منزل بازگرداندند.

روز بعد با وخیم شدن حال کودک، آن هادوباره محمدفاضل کوچولو را به بخش مسمومین بیمارستان امام رضا(ع) بردند ولی دیگر دیر

شده و کودک به کما رفته بود. با گزارش این حادثه از سوی ماموران کلانتری کاظم آباد به قاضی ویژه قتل عمد، بررسی ها در این باره آغاز شد و پدر کودک ادعا کرد پسر ۲/۵ ساله ام شربت متادون خورده است.

گزارش خراسان حاکی است، در حالی که خراش هایی نیز روی پیکر کودک مذکور

عامل جنایت مسلحانه قصاص شد

ماجرای پالتوی زرد



و متواری شده است.

ادامه بررسی های ماموران و اظهارات برخی شاهدان حاکی از آن بود که ضارب پالتوی زرد درنگ به تن داشت و سلاح را زیر پالتو مخفی کرده بود.

گزارش خراسان حاکی است، ماموران انتظامی پس از بررسی های دقیق پلیسی به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد یکی از بستگان مقتول

که جواد-س نام دارد در روز حادثه پالتوی زرد رنگ به تن داشت به همین دلیل این جوان ۳۶ ساله با صدور دستوری از سوی قاضی پرونده، تحت تعقیب قرار گرفت تا این که وی خود را به نیروهای انتظامی تسلیم کرد و ضمن اعتراف به جنایت مسلحانه گفت: به دلیل اختلافات خانوادگی کینه ای از سلیمان به دل گرفته بودم که روز حادثه

دیده می شود، قاضی کاظم میرزایی دستور بازداشت پدر کودک را به اتهام بی مبالائی و در دسترس قرار دادن شربت خطرناک متادون، صادر کرد. با دستگیری پدر این کودک تحقیقات در این باره در حالی ادامه دارد که حال پسر بچه ۲/۵ ساله بسیار وخیم گزارش شده است.



اسلحه کلاشینکف را برداشتم و در حالی که بسیار عصبانی بودم به طرف منزل آن ها به راه افتادم و در بین دو منزل مخفی شدم. وقتی سلیمان رسید ناگهان از فاصله حدود دو متری اسلحه را از زیر پالتو بیرون کشیدم و به طرف او شلیک کردم. گزارش خراسان حاکی است، در پی اعترافات صریح متهم، این پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد و متهم پای میز محاکمه ایستاد. قضات دادگاه کیفری بعد از چندین جلسه محاکمه که با حضور وکلای مدافع و اولیای دم برگزار شد در نهایت با توجه به اسناد و مدارک انکارناپذیر و اقراریر صریح متهم، رای به قصاص نفس دادند که این رای به تایید قضات باتجربه شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور رسید و پرونده برای اجرای حکم قصاص به دادسرای عمومی و انقلاب مشهد ارسال شد.

بنابراین گزارش، با فراهم شدن مقدمات اجرای حکم، محکوم این پرونده سپیده دم یک شنبه گذشته در زندان مرکزی مشهد پای چوبه دار رفت و در حالی که قضات با تجربه اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد بر اجرای حکم نظارت می کردند، محکوم مذکور که اکنون ۴۰ ساله بوده در مجازات آویخته شد.

توزیع کننده مشروبات الکلی دست ساز به دام افتاد

شد و تحقیقات برای کشف دیگر جرایم ارتكایی از سوی متهم در حالی ادامه یافت که مقام قضایی دستور بازرسی از مخفیگاه وی را نیز صادر کرد. به دنبال اجرای دستور قضایی، گروهی از نیروهای کلانتری با دستور سرهنگ حاجی زاده (رئیس کلانتری الهیه) محل سکونت متهم را در بولوار شاهد منطقه قاسم آباد مشهد مورد بازرسی قرار دادند که در نتیجه حدود ۱۰۰ لیتر دیگر مشروبات الکلی دست ساز و خطرناک در ظروف ۲۰ لیتری و از داخل کمد اتاق خواب کشف و ضبط شد. متهم این پرونده که به مجتمع قضایی شهید کامیاب مشهد معرفی شده بود ادعا کرد گالن های ۲۰ لیتری مشروبات الکلی متعلق به یکی از دوستانم است که در خانه من به امانت گذاشته بود و بطری های ۱/۵ لیتری را خودم قصد داشتم در شهر به فروش برسانم اما هیچ مشخصات و آدرسی از دوستم ندارم و تنها او را در خیابان دیدم! گزارش خراسان حاکی است تحقیقات بیشتر در این باره با صدور دستور قضایی همچنان ادامه دارد.

حادثه در قاب



عکس از خراسان - مهدی خزاعی

دوشنبه گذشته - حادثه در بولوار شهید صادقی - مشهد - کامیون پس از تصادف با چند خودرو با درخت حاشیه خیابان برخورد کرد

حوادث

۱۳

در امتداد تاریکی

-
-
-

آن زن غریبه...

حالا که بعد از ۲۵ سال زندگی مشترک با «جمال» او به زن دیگری علاقه مند شده است و به طور پنهانی با آن زن ارتباط دارد دیگر نمی توانم این شرایط را تحمل کنم. وضعیت آشفته این زندگی به هم ریخته تا آن جا کشید که پسر نوجوانم برای رهایی از درگیری های من و پدرش دست به کار وحشتناکی زدو...

زن ۴۵ ساله در حالی که بیان می کرد برای جلوگیری از متلاشی شدن زندگی ام دست به هر کاری زدم اما فایده ای نداشت به مشاور و کارشناس اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد گفتم: ۲۰ ساله بودم که به خواستگاری جمال پاسخ مثبت دادم و پای سفره عقد نشستم. در طول دو سال دوران نامزدی هیچ وقت متوجه اختلافات اخلاقی و رفتاری خودم با جمال نشدم چرا که هر چه می خواستم برابرم فراهم می کرد اما با آغاز زندگی مشترک متوجه تفاوت های عمیق اجتماعی و اخلاقی با او شدم چرا که همواره نسبت به همسر بی تفاوت بودم و هیچ گاه در پی حل مشکلات زندگی ام بر نیامدم. اختلافات فاحش ما با یکدیگر هر روز بیشتر می شد و نمی توانستم بر سر یک موضوع به تفاهم برسیم با وجود این فقط به خاطر فرزندانم یکدیگر را تحمل می کردیم. جمال فقط نیاز های مالی مرا تامین می کرد و من هم سرگرم علائقی مانند مد، خرید، آرایشگاه و عمل های زیبایی بودم. در واقع به همین کارها راضی بودم و هیچ وقت به خواسته های جمال اهمیتی نمی دادم. ۲۵ سال از زندگی مشترک ما به همین ترتیب سپری شد و من دوفورزند ۱۵و ۱۲ ساله داشتم که روزی یک مادر با چشمانی اشکبار از تباطی یکی از برادرانم بارن مطلقه ای سخن گفت که به همراه دختر ۱۰ ساله اش در همسایگی مادر زندگی می کردند.

آن روز مادرم در حالی که بسیار نگران و خشمگین بود با من تماس گرفت تا برای حل این مشکل چاره ای بیندیشم من هم موضوع را با جمال در میان گذاشتم و از او خواستم تا برای قطع ارتباط برادرم با آن زن به ما کمک کند این گونه بود که به پیشنهاد جمال به همراه مادر و برادرم به منزل آن زن رفتیم که بعد از چند ساعت گفت و گو به ظاهر این مشکل حل شد ولی هنوز مدت زیادی از این ماجرا نگذشته بود که متوجه تماس های مشکوک و ارتباط همسرم با یک زن غریبه شدم این موضوع آن قدر زنجم داد تا این که روزی همسر مرا تعقیب کردم اما از آن چه می دیدم در شوک فرو رفتم همسرم به منزل همان زن مطلقه ای رفت که برادرم با او در ارتباط بود اگر چه من و جمال از ۲۵ سال گذشته همواره با یکدیگر اختلاف داشتیم ولی نمی توانستم وجود زن دیگری را در زندگی ام تحمل کنم. آن روز وقتی همه ما چرا را برای همسرم بازگو کردم او این رابطه را انکار کرد اما بعد از گذشت مدتی، همان زن پیام ها و تصاویری برابم ارسال کرد که همسرم نتوانست هیچ کدام از آن عکس ها را انکار کند که نشانی آشکار از روابط پنهانی اش با آن زن غریبه بود. به ناچار همسرم از من عذرخواهی کرد و قول داد این رابطه را قطع می کند ولی اوفقط قول می داد چرا که قدرت دل کندن از آن زن را نداشت. منزل ما دیگر به صحنه جنگ و کتک کاری تبدیل شده بود تا این که پسر ۱۵ ساله ام برای فرار از این درگیری ها در یک اقدام ناگهانی دست به خودکشی زد که خوشبختانه زود متوجه شدیم و او از این حادثه تلخ نجات یافت. در حالی که از دیدن ناراحتی های روحی فرزندم جرمی کشیدم به دیدار همسرم رفتم و از او خواستم آن زن را فراموش کند و به زندگی خودش بازگردد ولی باز هم وعده هایش تو خالی بود به همین دلیل با عصبانیت نزد آن زن رفتم و با تهدید و توهین به او گفتم دست از زندگی من بکشد ولی او گفت: تو همسرت را مانند زباله ای روی زمین انداختی و من آن را برداشتم باید قبل از این ها به شوهرت توجه می کردی حالا دیگر خیلی دیر شده و...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

عکس متعلق به سیدرضا جلیلی هاشمی
۲۳ ساله، از تاریخ ۹۷/۵/۴ از منزل خارج شده و مراجعه ننموده است. از کسانی که از ایشان خبری دارند خواهشمندیم با شماره های ذیل تماس حاصل نموده و خانواده ای را از نگرانی خارج نمایند.
۰۹۲۷۷۶۵۰۱-۰۹۲۷۵۸۶۲۰۹۷
۹۷/۹/۱۵۵۰۴